

پیام دکتر علی اکبر ولایتی به همایش بین‌المللی میراث معماری در خطر

بسمه تعالی

برادران و خواهران گرامی، استادان، اندیشمندان و میهمانان ارجمند شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی «میراث معماری در خطر»، با سلام و احترام، حضور شما فرهیختگان را در این همایش ارزشمند که به نام بلند خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، این اندیشمند بزرگ و خدمتگزار علم و فرهنگ اسلامی منور گردیده است، صمیمانه گرامی می‌دارم.

به باور اینجانب، شهر تبریز را باید نگین انگشتی شهرهای فرهنگی ایران دانست؛ شهری که در گستره‌ای چند هزار ساله، سایه تمدن خویش را بر پهنه‌ای وسیع از سرزمین ایران گسترانیده است. تبریز در طول تاریخ، بارها بر اثر زلزله‌ها و جنگ‌افروزی‌ها ویران شده، اما هر بار در سایه همت و غیرت مردمان دلیرش، از نو زاده شده و حیات فرهنگی و اجتماعی خود را بازیافته است. این پایداری و تجدید حیات مکرر، از تبریز شهری ساخته است که به حق باید آن را گوهر درخشان فرهنگ ایرانی نامید.

وجوه فرهنگی و اجتماعی این شهر در طول قرون متمادی، سبب پیدایش مجموعه‌ای از ویژگی‌های ماندگار شده است. یکی از جلوه‌های برجسته این میراث، معماری آذری است؛ مکتبی اصیل و ریشه‌دار که در بستر تاریخ و تنوع ساختارهای فرهنگی تبریز بالیده است. مجموعه مساجد، کاخ‌ها، مدارس و بناهای مردمی در این شهر و پیرامون آن، همگی پیکره‌هایی زنده از شکوه معماری آذری‌اند.

افسوس که این شهر کهن، در زمره مناطق زلزله‌خیز ایران قرار دارد و بارها طعمه زمین‌لرزه‌های ویرانگر شده است. چنان‌که خاقانی شروانی، شاعر بلندآوازه قرن ششم هجری، در مرثیه‌ای جاودانه فرمود:

«شهر تبریز، نه همان است که من دیدم پار / به فتاده است که امسال دگرگون شده کار»

با وجود این همه ویرانی، هر بار تبریز چون ققنوسی از خاکستر خویش برخاسته و بناهایی چون مسجد کبود، ارگ تبریز، شنب غازانی و ربع رشیدی از نو جان گرفته‌اند تا شاهدی بر استمرار فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی باشند.

در حقیقت، تاریخ ایران، تاریخی بی‌گسست و پیوسته است؛ از سپیده‌دم تمدن بشری تا دوران معاصر، این سرزمین همواره بر پایه فرهنگ و دانایی استوار بوده است. نشانه‌های درخشان این تداوم را در جای‌جای میهن می‌توان یافت؛ از تپه سیلک کاشان با قدمتی بیش از هفت هزار سال، تا سنگ چخماق شاهرود که از نخستین نشانه‌های استقرار انسان در فلات ایران است، از شهر سوخته زابل با پیشینه‌ای پنج‌هزار ساله و تمدنی شگفت‌انگیز، تا قلعه دختر (قیز قلعه‌سی) در آذربایجان شرقی که یادگار روزگار ساسانیان است. ایران، بی‌تردید دارای طولانی‌ترین و پیوسته‌ترین تاریخ جهان است؛ تاریخی که بر ستون‌های استوار فرهنگ، اخلاق و خرد جمعی بنا شده است. مردان و زنانی از این سرزمین در طول تاریخ برای پاسداری از این فرهنگ، از آسایش و حتی از جان خویش گذشته‌اند. رمز بزرگ ماندگاری ایران در طول تاریخ، همین فرهنگ اصیل و زنده ایرانی - اسلامی است؛ فرهنگی که ان‌شاءالله تا ظهور حضرت حجت (عج) پایدار و زنده خواهد ماند.

اکنون که سخن از ربع رشیدی، این مجموعه عظیم علمی و فرهنگی به میان آمد، لازم می‌دانم بار دیگر بر اهمیت احیا و بازسازی آن تأکید نمایم. هفت قرن پیش، تبریز یکی از مهم‌ترین کانون‌های علمی و تمدنی جهان اسلام بود؛ جایی که دانشمندانی از چهار گوشه عالم در آن گرد می‌آمدند، به تدریس، تحقیق و درمان بیماران می‌پرداختند و الگویی درخشان از پیوند علم، فرهنگ و خدمت اجتماعی را رقم می‌زدند.

وقف‌نامه ربع رشیدی که سندی بی‌همتا و زنده از سازمان‌دهی فرهنگی و اقتصادی یک مجتمع علمی در قرن هشتم هجری است، ما را با یکی از نخستین نمونه‌های دانشگاهی جهان اسلام آشنا می‌سازد. این وقف‌نامه، با دقتی حیرت‌انگیز تمام جنبه‌های فعالیت ربع رشیدی را از ساختار اقتصادی و آموزشی تا مدیریت، پرداخت دستمزدها و شیوه تعامل استادان و شاگردان تبیین کرده است؛ گویی اساسنامه‌ای است که همین دیروز به تصویب رسیده است.

بیست سال پیش، در همایش احیای ربع رشیدی و فرهنگ و تمدن ایران در عصر ایلخانی که در دانشگاه تبریز برگزار شد، بیش از ۲۷۰ مقاله علمی ارائه گردید و ابعاد گوناگون این میراث بزرگ

بررسی شد. اکنون، پس از گذشت دو دهه، شایسته است که برنامه‌ای جامع و منسجم برای احیای ربع رشیدی تدوین شود؛ برنامه‌ای که نه تنها بر بازسازی کالبد معماری آن، بلکه بر بازآفرینی نقش فرهنگی و تمدنی‌اش نیز تمرکز داشته باشد.

پیشنهاد می‌شود در کنار حفاری و مرمت بنا، پژوهش‌های عمیق‌تری در باب وقف‌نامه و کارکرد اجتماعی آن انجام گیرد و بخش‌هایی از این سند ارزشمند در قالبی بازنویسی‌شده، در کتاب‌های درسی مدارس کشور گنجانده شود تا نسل جوان ایران بیش از پیش با شکوه تمدن اسلامی خود آشنا گردد.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، دانشمندی جامع‌الاطراف در علوم اسلامی، فلسفه، تاریخ، ریاضیات و نجوم بود. او در روزگار سلطان محمد خدابنده و سلطان ابوسعید بهادر، با وجود اشتغالات سنگین سیاسی، خدمت به علم و فرهنگ را از وظایف خود می‌دانست.

هم‌اکنون که این همایش گرانسنگ با محور بررسی تهدیدهای میراث معماری در جهان اسلام برگزار می‌شود، باید یادآور شد که این تهدیدها تنها از بلایای طبیعی و سهل‌انگاری مدیریتی ناشی نمی‌شوند، بلکه جنگ‌ها و تجاوزهای نظامی نیز بخش عظیمی از میراث فرهنگی و تمدنی جهان اسلام را نابود کرده‌اند.

نمونه آشکار آن، جنگ غزه است؛ جنگی که نه تنها هزاران انسان بی‌گناه را قربانی کرده، بلکه بسیاری از آثار تاریخی، مساجد کهن، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی این سرزمین مظلوم را به دست رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز ویران ساخته است. این فاجعه، زخمی عمیق بر پیکره فرهنگ و تمدن اسلامی است و بار دیگر ضرورت پاسداری از میراث فرهنگی در برابر جنگ، اشغال و خشونت را یادآور می‌شود.

در پایان، از برگزارکنندگان این همایش علمی و تمامی استادان، پژوهشگران و شرکت‌کنندگان ارجمند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و توفیق همگان را در راه پاسداری از فرهنگ و تمدن اسلامی و احیای میراث گرانقدر نیاکانمان از درگاه خداوند متعال خواستارم.

علی‌اکبر ولایتی